

اصلاحات ساختاری در قالب

خصوصی سازی (۱)

دکتر علیرضا رحیمی پروچردی
عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

اقتصاد ایران به شدت نیازمند اصلاحات اقتصادی است. چنانچه اصلاحات ساختار اقتصادی از (مجلس) شروع گردد، قطعاً با پشتوانه مردمی روبرو خواهد شد و از ضمانت اجرایی موفقیت آمیزتری برخوردار خواهد گردید. (مجلس) با برخورداری از بدنه توانمند کارشناسی در دولت و پشتوانه تجربی برنامه ریزی اقتصادی در سال های گذشته و همچنین صاحب نظران متخصص و توانا در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی قادر خواهد بود که به طور اصولی اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران را آغاز نماید.

علم اقتصاد اصلاحات ساختاری را به چهار بخش تقسیم نموده است که عبارتند از: ۱- تثبیت اقتصاد، ۲- آزادسازی اقتصاد، ۳- خصوصی سازی اقتصاد، ۴- مقررات زدائی اقتصاد.

اصلاحات و یا تعدیل ساختاری عبارت است از استفاده کاربردی از علم اقتصاد. به عبارت دیگر، زمانی که اقتصاد در دو بعد ((داخل)) و ((خارج)) از تعادل خارج شده باشد، باید از مجموعه ای از سیاستهای همگون جهت پیشگیری و یا درمان عدم تعادل های اقتصاد در دو بعد داخل و خارج بهره جست، یعنی تعدیل اقتصادی عبارت است از تنظیم سیاست های اقتصادی به منظور به تعادل رساندن اقتصاد در دو بعد داخل و خارج و زمانی در یک اقتصاد با موفقیت روبه رو خواهد شد که چهار عضو بدنه اصلاحات ساختاری به طور همزمان و در ارتباط و هماهنگ با یکدیگر حرکت نمایند.

حرکت مجرد هر عضو به تنهایی نه تنها نتایج مطلوبی به همراه نخواهد داشت بلکه مسیر اصلاحات را منحرف می کند. توجه کافی به موارد فوق الذکر لازمه یک برنامه ریزی موفق است بدیهی است قبل از اقدام به اصلاحات، شناخت دقیق و صحیح از تعاریف مورد استفاده ضروری می باشد، چرا که در عمل مشاهده شده است که تعاریف و برداشت های متفاوت از یک واژه (مثلاً تثبیت)، برنامه ریزی اقتصادی را با مشکلات فراوانی روبه رو ساخته است.

تثبیت اقتصاد عبارت است از هماهنگ کردن حرکت متغیرهای کلان اقتصادی در بازارهای مختلف برای این منظور ضروری است از سیاست های پولی، مالی، تجاری، ارزی و سیاست های مکمل به صورت هماهنگ و در ارتباط منطقی با یکدیگر استفاده نمود. تثبیت به معنای ((ثابت نگهداشتن)) حرکت متغیرها نیست که البته این امر نه در اقتصاد امکان پذیر و نه به مصلحت رشد و توسعه اقتصادی است. حرکت در ذات متغیر نهفته است و نمی توان حرکت متغیر را متوقف نمود و وظیفه و هنر اقتصاددان و سیاست گذار هماهنگ کردن حرکت متغیرها با یکدیگر است نه جلوگیری از حرکت طبیعی آنها.

آزاد سازی اقتصاد عبارت است از میان برداشتن کلیه تخریب ها، محدودیت ها و سدهایی که معمولاً سیاست گذاران و ارباب سیاست طی زمان بر سر راه حرکت طبیعی متغیرهای کلان اقتصادی در بازارهای اقتصادی ایجاد می نمایند. آزادسازی به معنای ولنگاری و رها کردن اقتصاد به طور اعم و تجارت خارجی به طور اخص نیست بلکه به معنای تصحیح و نظارت بر حرکت اقتصاد و متغیرهای آنست.

خصوصی سازی را به عبارتی می توان استفاده بهینه از منابع کمیاب برای افزایش بهره وری تعریف نمود. خصوصی سازی تنها به معنای انتقال ظاهری و اعتباری مایملک دولتی به بخش غیردولتی نیست که البته این فرآیند همیشه و در هر شرایطی از طرف دولت می تواند برگشت پذیر باشد. چنانچه کلیت نظام اقتصادی جامعه مبتنی بر اراده و شعور مردم استوار باشد که به موجب آن برای مردم ((حق)) تصرف و مالکیت در ((عوامل تولید))، ((دارایی))، ((محصول))، ((پور تقویو)) و مواردی نظیر آن ایجاد نماید، یک خصوصی سازی موفق و واقعی محقق شده است. هدف از خصوصی سازی اقتصاد، ارتقاء بهره وری و تسری آن در کل بخش های اقتصادی است.

مقررات زدایی را کاهش حذف آن دسته از مقررات، آیین نامه ها، بخش نامه ها و بوروکراسی های تو در تو و دست و پاگیر که موجب عدم تنظیم سیاست های اقتصادی و تاخیر و تخریب هماهنگ کردن حرکت متغیرهای کلان اقتصادی و نیروهای حاکم بر بازار می شود، می توان تعبیر نمود باید توجه داشت که برنامه ریزی اقتصادی کاری بسیار پیچیده، زمان بر و حساس است و تنها خبرگان اقتصادی و کارشناسان آزموده و با تجربه می توانند آن را به سرانجام برسانند.